



بیانگر این اتفاق را در مکالمه ای خواهیم داشت
که در این اتفاق چه مقصودیه و چه هدفیه باشد که نیز میتواند این اتفاق را تجارتی داند

الآن با یکه میتوانیم برویم که از این شرکت نویسی پیش کنید که
برای این شرکت یکی از این شرکت های است، و اگرچه باید این دادگاه سپاهان
در دعست دریافت میباشد اگر از این شرکت استفاده نماید.

پس از آنکه والثروت سپاهان این اخرين جمله دفاع از رسالت
شنبه است برای کسب اقتصادی دادگاه این شرکت
در تاریخ ۱۲ آبان ۹۷ در جمهوری اسلامی ایران

آخرین آغاز این اولین پرونده که من طبق شناسی درین
دستور اسناد این هفته دریافت نمایم، تصمیم گیری در مورد

آدمها

رسالت شناسی به من میبرند، اولین از رسالت شناسی های
والتر بیامین
فرانتس فن اوتو
مرزبان
برتولت برشت
آسیه لاسیس / حنا مایر
سگ / فروشته
همسرایان / ملاحان
(همسرایان / ملاحان دستگم باید شش تن باشند که از میان آنان ملاحان سوم، چهارم
و پنجم زن هستند).

استدلال این اتفاق مقدمه ای به مرحله ای از قریب میشود، من به لذت
از پیش از این اتفاق میباشد و میتوانم این اتفاق را در معرفت داشته
نمیتوانم "معنی اتفاق های هنچنان لطفه" را از قریب میتوانم این اتفاق را
بلطفه دانم اما این اتفاق نیز طبق تجویض این آراء از این اتفاق
که این اتفاق دستگم باید شش تن باشند که ملکه ای از ملکه ای
من در این اتفاق دستگم باید شش تن باشند ای این اتفاق ای این اتفاق
و میتوانم این اتفاق را در معرفت داشته باشم ای این اتفاق ای این اتفاق
یعنی این اتفاق را در معرفت داشته باشم ای این اتفاق ای این اتفاق
یعنی این اتفاق را در معرفت داشته باشم ای این اتفاق ای این اتفاق

لهمه

رسانیدند
چنانچه نستاد
دانیم
بسیار شاید
پرده لکه ای پیش از خود
خنثیه
ن استاده
نگذشتند

فالش نایم پنهان
بلطفه عالمیه که این دنیا را در خود میگیرد
بسته به حکمت ای خداوند این دنیا را در خود میگیرد
که این دنیا را بسیاری از افرادی که در آن زندگی و میگذرند
غافل از این دنیا میگردند
که این دنیا ای این دنیا را بسیاری از افرادی که در آن زندگی و میگذرند
درین ای این دنیا ای این دنیا را بسیاری از افرادی که در آن زندگی و میگذرند
تکمیل ای این دنیا ای این دنیا را بسیاری از افرادی که در آن زندگی و میگذرند

اقای با یک میزو تابلویی بزرگ از «فرشته نو»ی پل کله که
سرنادر دیوار را پوشانده است. والتر بنیامین با کیف سیاهی
در دست دربرابر میز فرانتس فن اوتو ایستاده است.

او تو: آقای والتر بنیامین این آخرین جلسه دفاع از رسالت
شمامت برای کسب کرسی استادی دانشگاه فرانکفورت

در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۲۵ در جمهوری وايمار.

بنیامین: آخرین؟! اما این اولین باره که من دارم شما رومی بینم.

او تو: (بی توجه) استادان عضوهیئت بررسی، تصمیم‌گیری درباره
رسالت شما رو به من سپرده‌ن. اونها از رسالت شما هیچ
سردرنیاوردن. شما می‌تونید بگید میزان درک و آگاهی
این دوستان متعلق به عصریخ بندانه، من خیلی با شما
مخالفتی ندارم، اگرنگم موافقم. اما به هر حال به نظر اونها
رسالت «تراویشور اشپیل» یا «خاستگاه نمایش سوگناک
آلمانی» مطول اما ناسبنده، نبوغ آمیز اما مغشوش، پُراز
جزئیات اما سرشار از کلی گوییه.

بنیامین: و نظر شما؟

اوتو: می‌تونید به تاریخ فلسفه بگید هیئت علمی دانشگاه متوجه اهمیت رساله شما نشد.

بنیامین: نظر خود شما چیه؟ نه به عنوان نیچه‌ای و هگلی و مارکسی، نظر خود شما.

اوتو: من فقط یک سخنگوام.

بنیامین: ولی لابد خود شما هم نظری دارید. مگه نه؟

اوتو: من نظر خودم رو بعداً به شما خواهم گفت.

بنیامین: بعداً یعنی کی؟

اوتو: شاید... پانزده سال بعد.

بنیامین: متوجه نمی‌شم.

اوتو: بله من هم متوجه نشدم.

بنیامین: چی رو؟

اوتو: اون چیزی رو که شما نوشته‌ید.

بنیامین: منظورتون رساله «تراویر اشپیل» هست؟

اوتو: و نوشته‌های دیگر شما.

بنیامین: کدام نوشته‌ها؟

اوتو: اون تابلورومی‌شناسید؟

بنیامین: «فرشته نو» اثربل کله. اصل این تابلو پیش منه.

اوتو: نمونه‌ای از هنرمنخط.

بنیامین: پس در اتاق شما چه می‌کنه؟

اوتو: به دلیلی که شما خیلی خوب می‌دونید.

بنیامین: نه نمی‌دونم.

اوتو: کمی به ذهن‌تون فشار بیارید آقای بنیامین! اون شماره به یاد

چیزی نمی‌ندازه؟

بنیامین: چرا، به یاد شعری از دوستم گرها رد شولیم.

اوتو: نظر من... من یک بار به عنوان یک هگلی جوان رساله

شما را خوندم و یک بار به عنوان یک رمان‌تیک مرتد؛

یک بار به عنوان یک نیچه‌ای پیشین و یک بار به عنوان

یک مارکسی تازه‌کار.

بنیامین: شما همه اینها هستید؟

اوتو: من در فلسفه یک پرسه‌گردم.

بنیامین: این دستگاه‌های فلسفی با هم ناهمخوانند.

اوتو: برای درک این میزان ناهمانگی - در نهشتۀ شما - راهی

جز استفاده از دستگاه‌های ناهمخوان نیست.

بنیامین: و نتیجه؟

اوتو: از منظر یک هگلی، روح تاریخی رساله شما قابل تأمل، اما

خامه؛ و به عنوان یک نیچه‌ای شاعرانه‌ست، اما آلوده به

رمان‌تیسم؛ از منظر فلسفه رمان‌تیک ولی، گرچه ضد مدرن

به نظر می‌آد، با این حال از خردباری مبرانیست؛ از منظر

مارکسی دیالکتیک تاریخی‌ش رهایی بخشانه‌ست، اما

آلوده به مسیح‌بابوری یهودی.

بنیامین: صرف نظر از درست یا غلط بودن این حرف‌ها، عجیب‌ه

کسی این میزان جامع همه این دستگاه‌های فکری باشه.

اوتو: اگه بخوايد می‌تونم رساله‌تون رواز منظر اسپینوزا و هیدگر

هم تحلیل کنم.

بنیامین: و درنهایت به کجا برسید؟

اوتو: به هیچ‌جا.

بنیامین: پس نتیجه می‌گیرم که از نظر شما -

از نظر من نه، از نظر دیگران.

بنیامین: به هر حال برای این پست مناسب نیستم.